

فهرست مطالب

۱	فصل اول
۱	مقدمه
۱	بخش اول (استعمالات لغوی)
۱۱	بخش دوم (معنای جامع)
۱۳	فصل دوم
۱۳	بخش اول: تطبیق در آیات قرآن کریم
۱۸	بخش دوم: تطبیقات روایی
۲۲	فصل سوم
۲۲	مقدمه
۲۲	۱. تربیت فرزند
۲۲	دلیل اول:
۲۳	دلیل دوم:
۲۳	۲. دروغ
۲۳	۳. تأثیرات دروغ
۲۴	دلیل اول:
۲۴	دلیل دوم:
۲۴	نتیجه گیری
۲۵	مبحث اصلی
۲۵	۱. چگونگی شکل گیری جامعه اسلامی
۲۵	۲. بسترهای تربیت
۲۵	۳. فطرت الهی کودک
۲۶	۴. دروغ = انحراف کودکان = انحراف افراد جامعه = عدم وجود جامعه اسلامی
۲۷	۵. تأثیرات دروغ در فرزند
۲۸	۱. دسته بندی تفصیلی
۳۱	۲. دسته بندی اجمالی
۳۲	۶. عوامل دروغگویی کودک

۳۳ ۷. درمان درغکویی کودک

۳۷ نتیجه گیری

۳۸ فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

(بررسی ماده کذب در لغت)

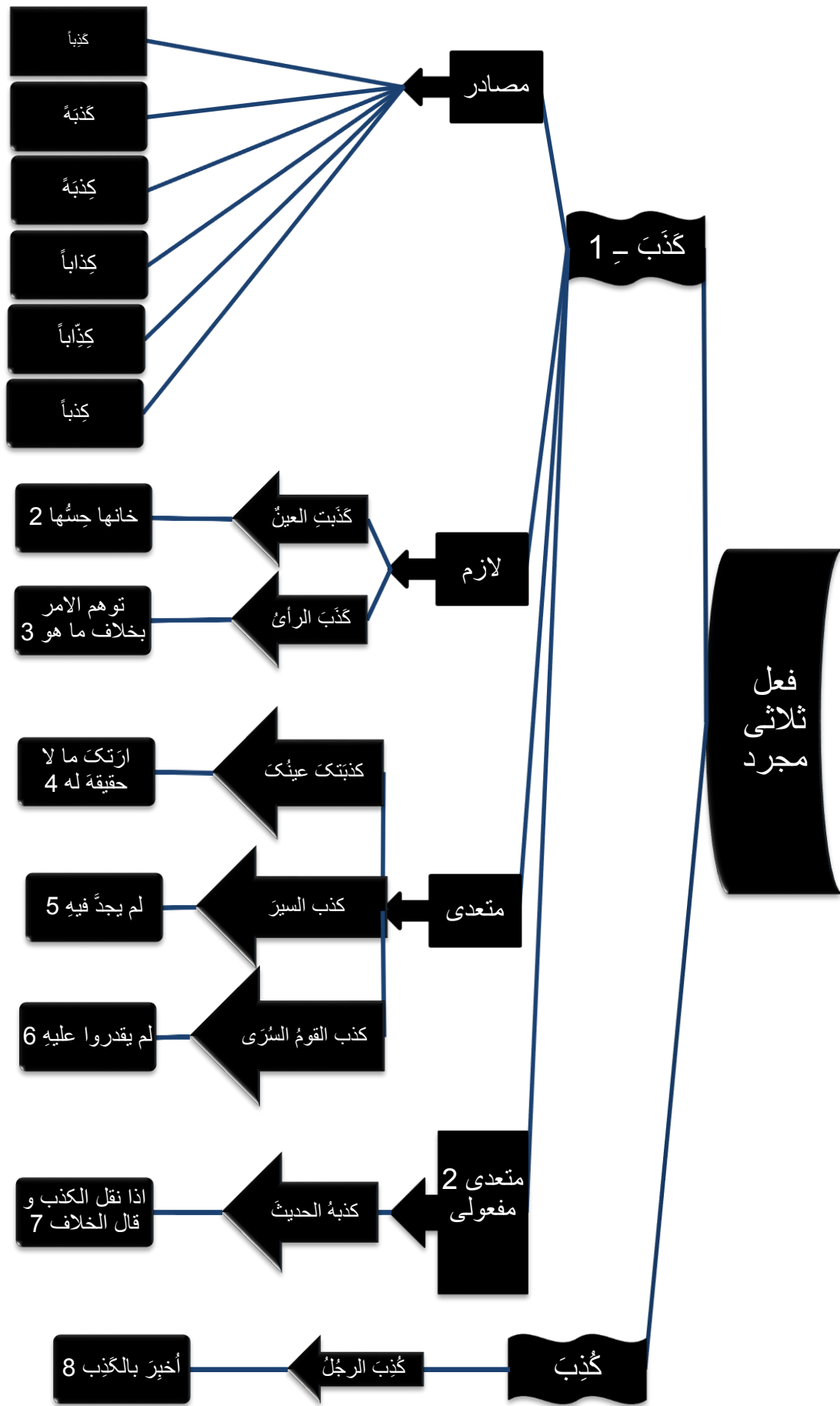
مقدمه

در این فصل استعمالات ماده کذب در کتب لغت بررسی میشود؛ چرا که لازمه فهم صحیح آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام، داشتن درک صحیحی از لغات عربی است و به این خاطر، ابتدا استعمالات لغوی این واژه بررسی می گردد.

بخش اول (استعمالات لغوی)

المنجد

تنها یک معنا برای آن ذکر شده است.



۱. ضد الصدق (أخبر عن الشيء بخلاف ما هو مع العلم به)

ترجمه:

دروغ در تضاد با راستگویی است توضیح اینکه علم داشتن به چیزی اما خلاف آنرا بیان کردن.

۲. ترجمه:

نگاه آلوده کرد یا دزدکی نگریست این کاری است که با یکی از حواس پنج گانه صورت می پذیرد.

۳. ترجمه:

آن کار بر خلاف آن چیزی که است گمان کرد.

۴. ترجمه:

تو را دید آنچه را که نیست برایش حقیقت.

۵. ترجمه:

در آن پیدا نکرد.

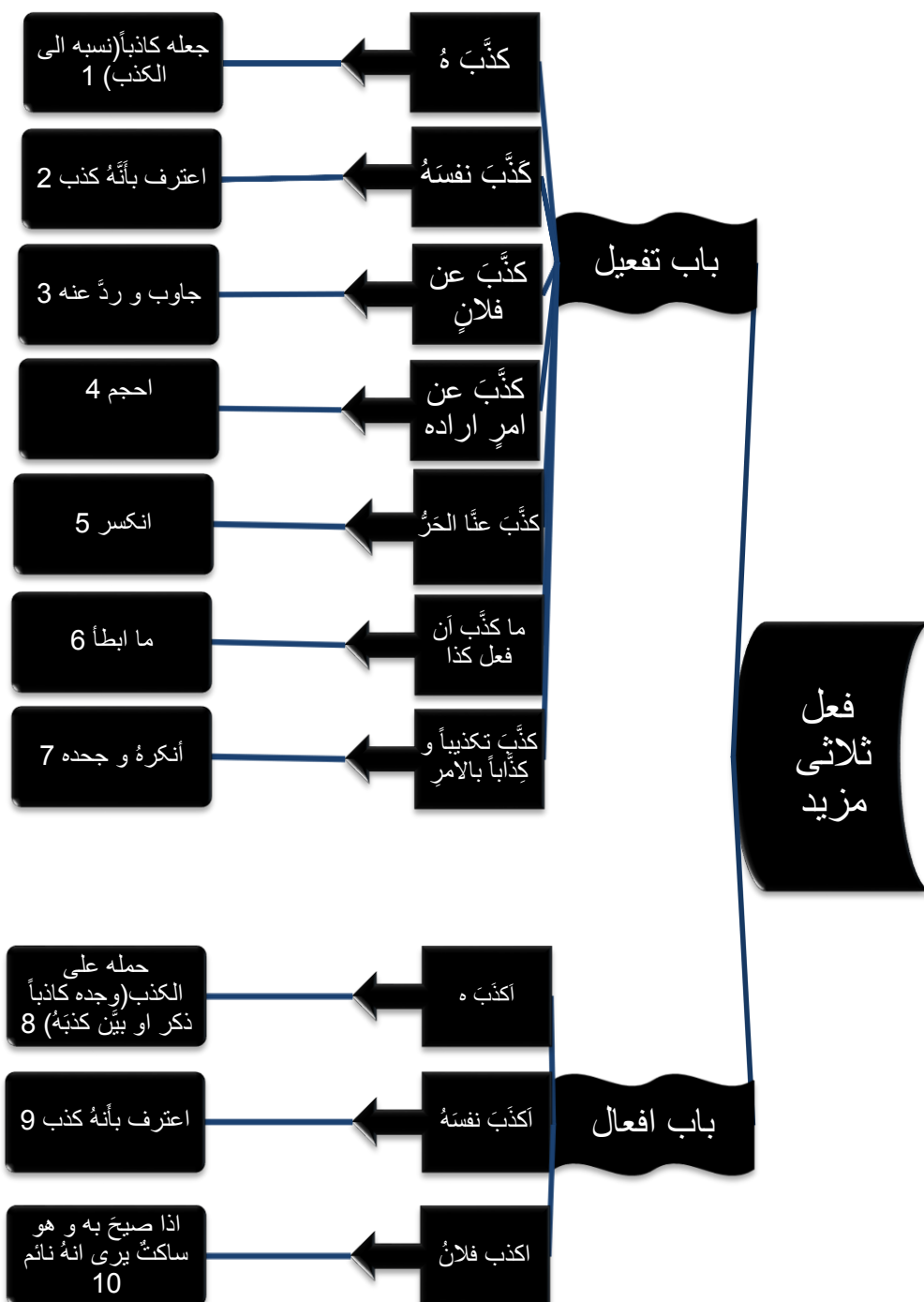
۶. ترجمه:

قدرت آنرا نیافتند.

۷. ترجمه:

زمانی که به دروغ نقل کرد و خلاف واقع را گفت.

خبر دروغ داده شد.



۱. ترجمه:

فلانی را دروغگو دانست توضیح اینکه به فلانی نسبت دروغگویی داد.

۲. ترجمه:

به دروغگویی خود اعتراف کرد.

۳. ترجمه:

به فلانی متقابلاً جواب داد و رد کرد.

۴. ترجمه:

فلانی از آن کار روی گردان شد و دست برداشت.

۵. ترجمه:

شکستن (از شدت گرما و حرارت برما کاسته شد).

۶. ترجمه:

بدون درنگ فلان کار را انجام داد.

۷. ترجمه:

انکار کرد آنرا در حالی که آنرا میدانست.

۸. ترجمه:

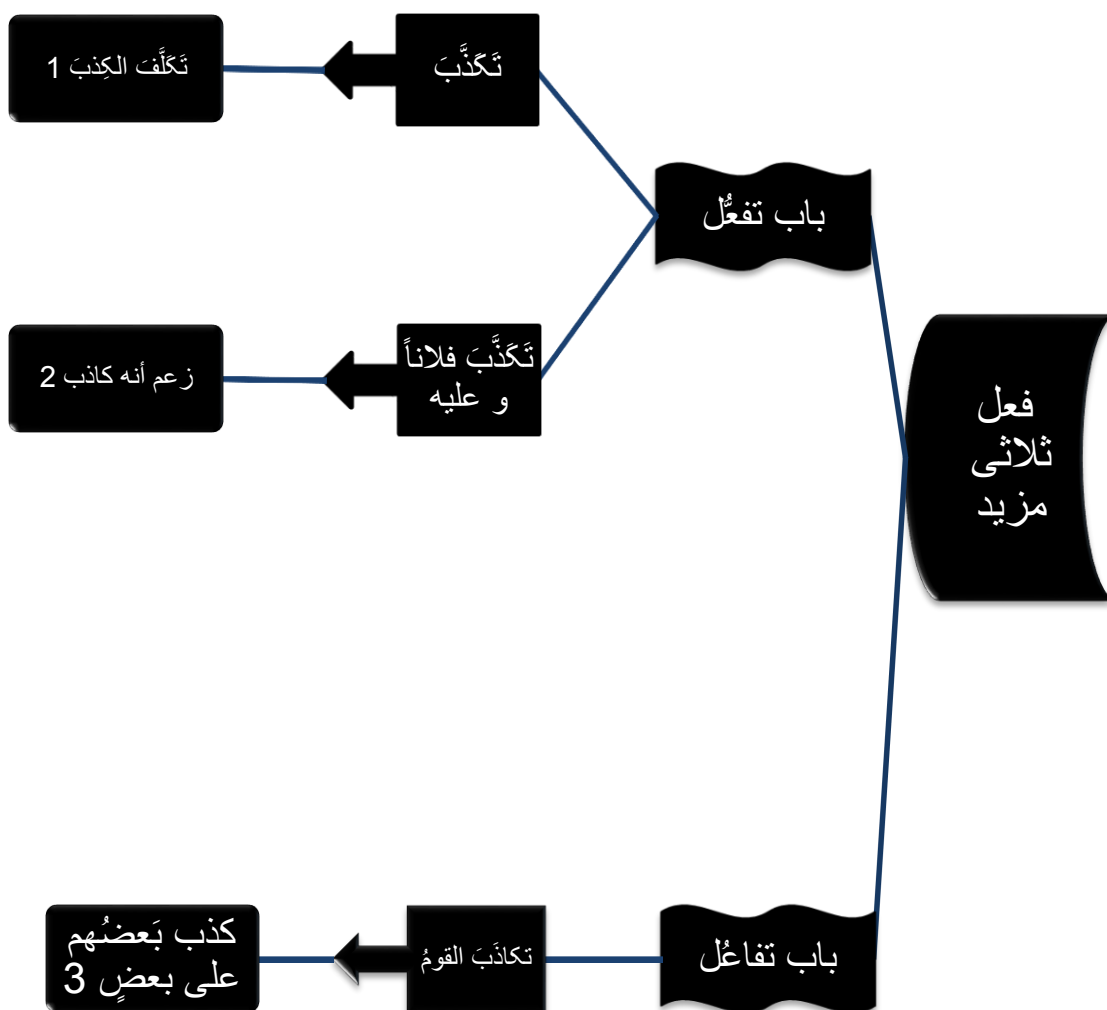
فلانی را دروغگو پنداشت به این معنا که او را دروغگو دانست و دروغش را بیان کرد.

۹. ترجمه:

به دروغگویی خود اعتراف کرد.

۱۰. ترجمه:

هنگامی که او را صدا زد اما او ساکت بود دانست که او خوابیده است.



۱. ترجمه:

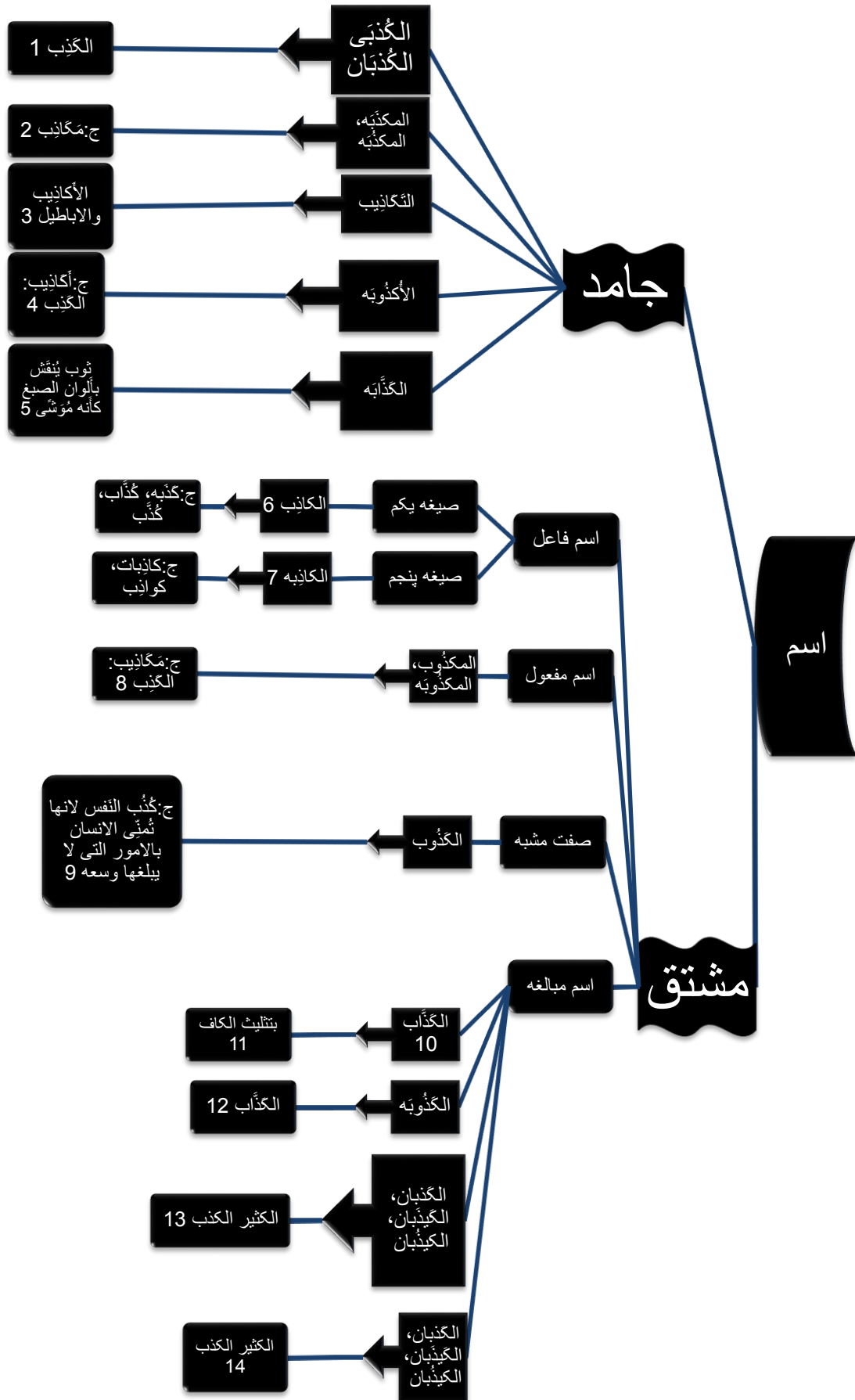
با سختی و دشواری دروغ گفت.

۲. ترجمه:

گمان کرد که او دروغگو است.

۳. ترجمه:

بعضی از آنها به بعضی دیگر دروغ گفتند.



۱. ترجمه:

دروغ

۲. ترجمه:

دروغ

۳. ترجمه:

سخن بیهوده و دروغ

۴. ترجمه:

دروغ

۵. ترجمه:

لباس را به صورت الوان رنگ آمیزی و نقش نگاری می کند گویا تزیین شده است.

۶. ترجمه:

دروغگو

۷. ترجمه:

دروغگو

۸. ترجمه:

دروغ

۹. ترجمه:

آن شخص کاری را کرد که آن انسان آرزوی آن کارها را کرد که نمیتواند به آن کارها برسد.

۱۰. ترجمه:

بسیار دروغگو

۱۱. ترجمه:

کاف این واژه به صورت هر سه نوع اعرابِ استعمال شده است.

۱۲. ترجمه:

بسیار دروغگو

۱۳. ترجمه:

بسیار دروغگو

۱۴. ترجمه:

بسیار دروغگو

بخش دوم (معنای جامع)

۱. در معجم مقائیس اللغه واژه کذب معنای جامع آن را اینگونه بیان کرده است:

اصل صحیح يدلُّ على خلاف صدق . تلخيصه أنه لا يبلغ نهاية الكلام في الصدق . من ذلك الكذب خلاف الصدق

ترجمه:

خود ماده کذب دلالت بر خلاف راستگویی میکند و تلخیص شده آن نهایت کلام به راستگویی نمیرسد به این معنا که کلام دروغ است. دروغ ضد راستگویی است.

۲. در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ماده کذب معنای جامع آن را اینگونه ذکر کرده است:

أن الأصل الواحد في المادّه: هو ما يقابل الصدق، فهو ما يخالف الواقعيّه والحق، كما أن الصدق هو ما يكون على حقّ و على واقعيّه

ترجمه:

اصل ماده کذب: دروغ نقطه مقابل راستگویی است، پس دروغ چیزی است مخالف واقعیت و حق همانگونه که راستگویی موافق با حق و واقعیت می باشد.

- به نظر می رسد در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم برای معنای کذب معنای جامع تری را بیان کرده است چراکه از جمله « فهو ما يخالف الواقعيّه والحق » بهره برده و خود « الواقعيّه والحق » مصادیق بیشتری را میتواند در بر بگیرد، در حالی که دیده میشود در معجم مقائیس اللغه از جمله « أنه لا يبلغ نهاية الكلام في الصدق » استفاده کرده است و خود این واژه « الكلام » دایره مصادیق آن کمتر می باشد؛ البته لازم به ذکر است که میتوان نقدی بر التحقیق فی کلمات القرآن الکریم از این جهت وارد کرد که اگر قرار باشد این واژه مخالف واقعیت باشد پس در استعمالاتی همچون « کذبَ عَنَّا »

الْحَرُّ»، باید چگونه جواب داد چراکه در این نوع استعمالات هیچگونه بحث حق و باطلی مطرح نیست و باید دانست که از این قبیل اشکالات را هم می توان به معجم مقائیس اللغه وارد کرد.

نتیجه

۱. در واقع خود واژه کذب به تنهایی معنای دروغ را میدهد.
۲. در صورت استعمال این ماده به صورت ترکیبی، غالباً معنای اصطلاحی میدهد.
۳. ماده کذب غالباً برای مصادیق باطل و غیر حق استعمال میشود.

فصل دوم

بخش اول: تطبیق در آیات قرآن کریم

واژه کذب ۲۸۲ مرتبه در قرآن کریم که در ۶۸ سوره و در ۲۵۷ آیه از آیات قرآن مجید استعمال شده است؛ در این بخش ابتدا چند مورد از آیاتی که در آنها ماده کذب به کار رفته است ذکر خواهد شد، سپس به صورت نمودار آمار استعمالات این واژه در قرآن کریم بیان می گردد.

۱. چند مورد از آیاتی که در آنها ماده کذب به کار رفته است عبارتند از:

۱. آیه:

لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ^۱

ترجمه:

هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند.

ساختار صرفی:

اسم مشتق از نوع فاعل، صیغه چهارم، اسم نکره، اسم معرب،

۲. آیه:

فَكَذَّبَ وَعَصَى^۲

ترجمه:

او تکذیب و عصیان کرد.

^۱.سوره واقعه، آیه ۲

^۲.سوره نازعات، آیه ۲۱

ساختار صرفی:

فعل ماضی، باب تفعیل، صیغه للغائب، فعل معلوم

۳. آیه:

أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَّبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ^۱

ترجمه:

ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می گویند، و آنچه را بدروغ همتای خدا می پنداشتند، از دست می دهند.

ساختار صرفی:

فعل ثلاثی مجرد، صیغه للغائبین، فعل معلوم

۴. آیه:

مِمَّنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^۲

ترجمه:

پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد، تا مردم را از روی جهل گمراه سازد؟! خداوند هیچ گاه ستمگران را هدایت نمی کند.

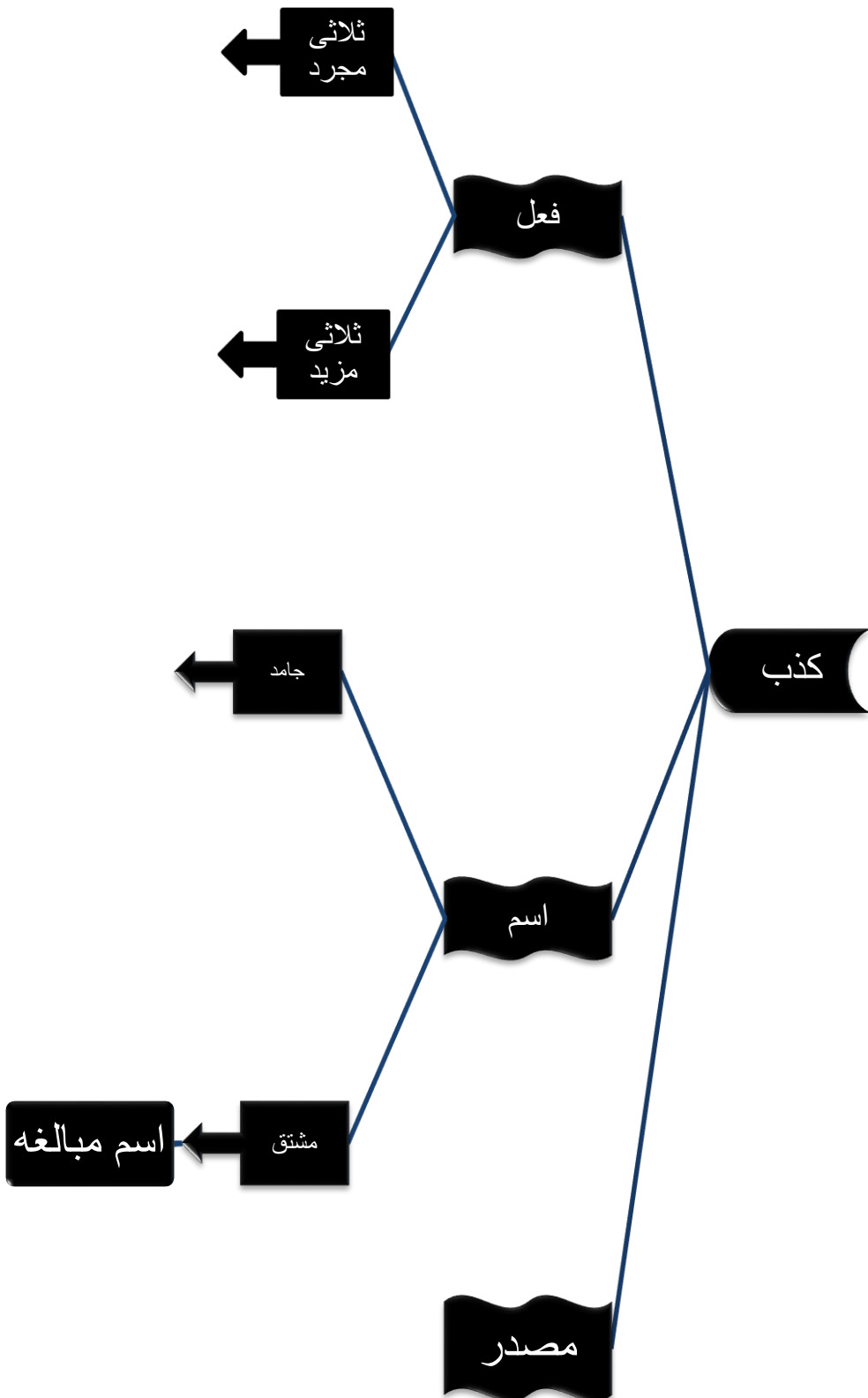
ساختار صرفی:

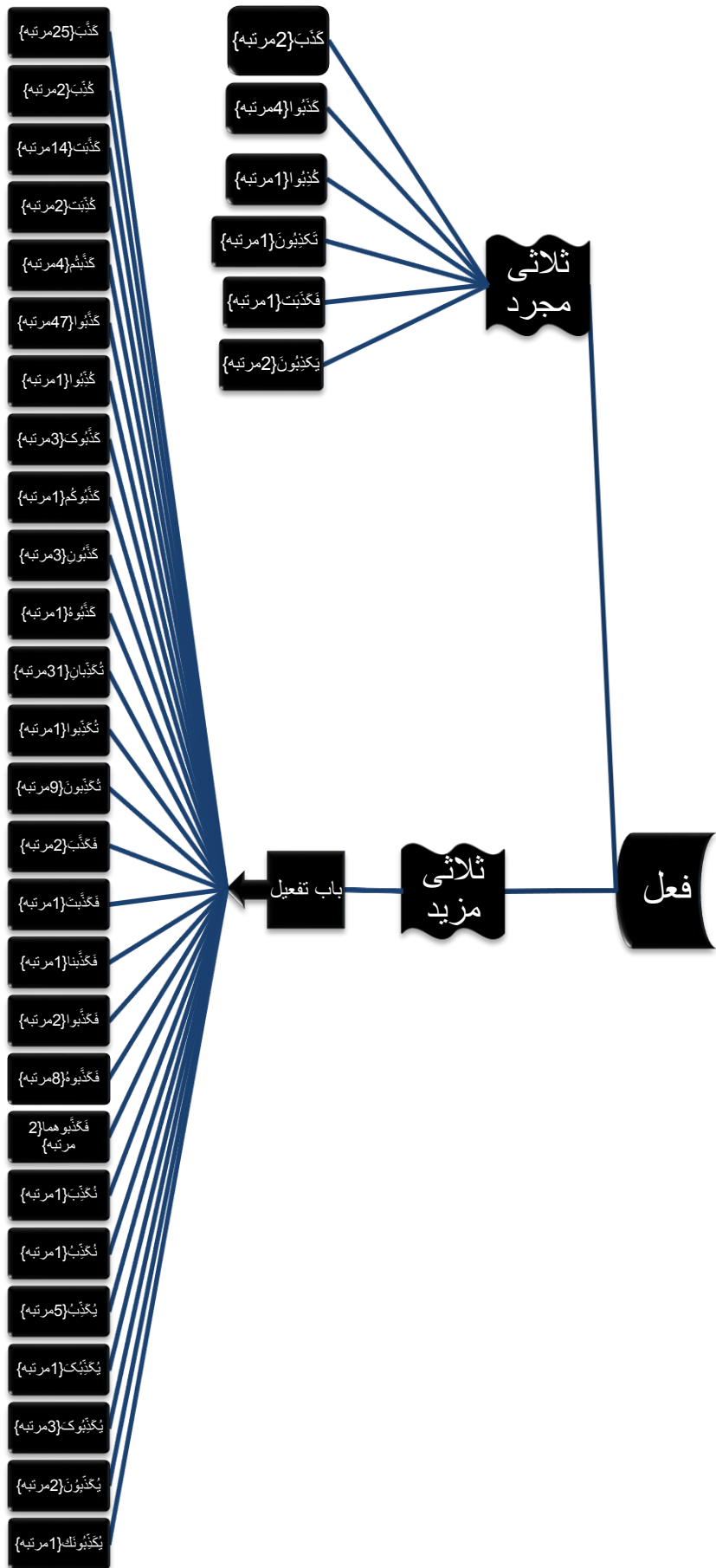
اسم جامد، مذکر، مصدر، اسم معرب

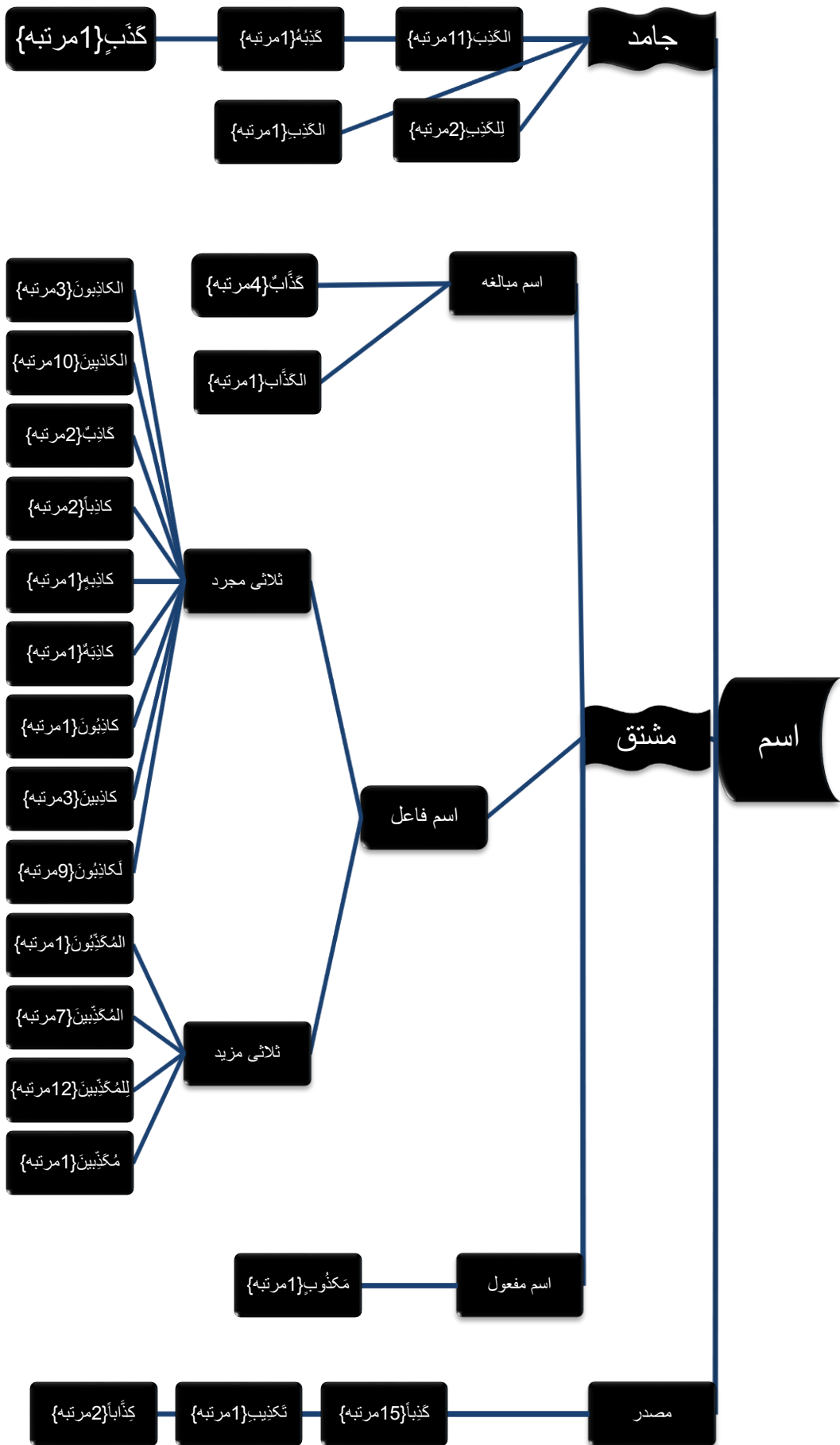
^۱. سوره انعام، آیه ۲۴

^۲. سوره انعام، آیه ۱۴۴

۲. آمار استعمالات این واژه در قرآن کریم



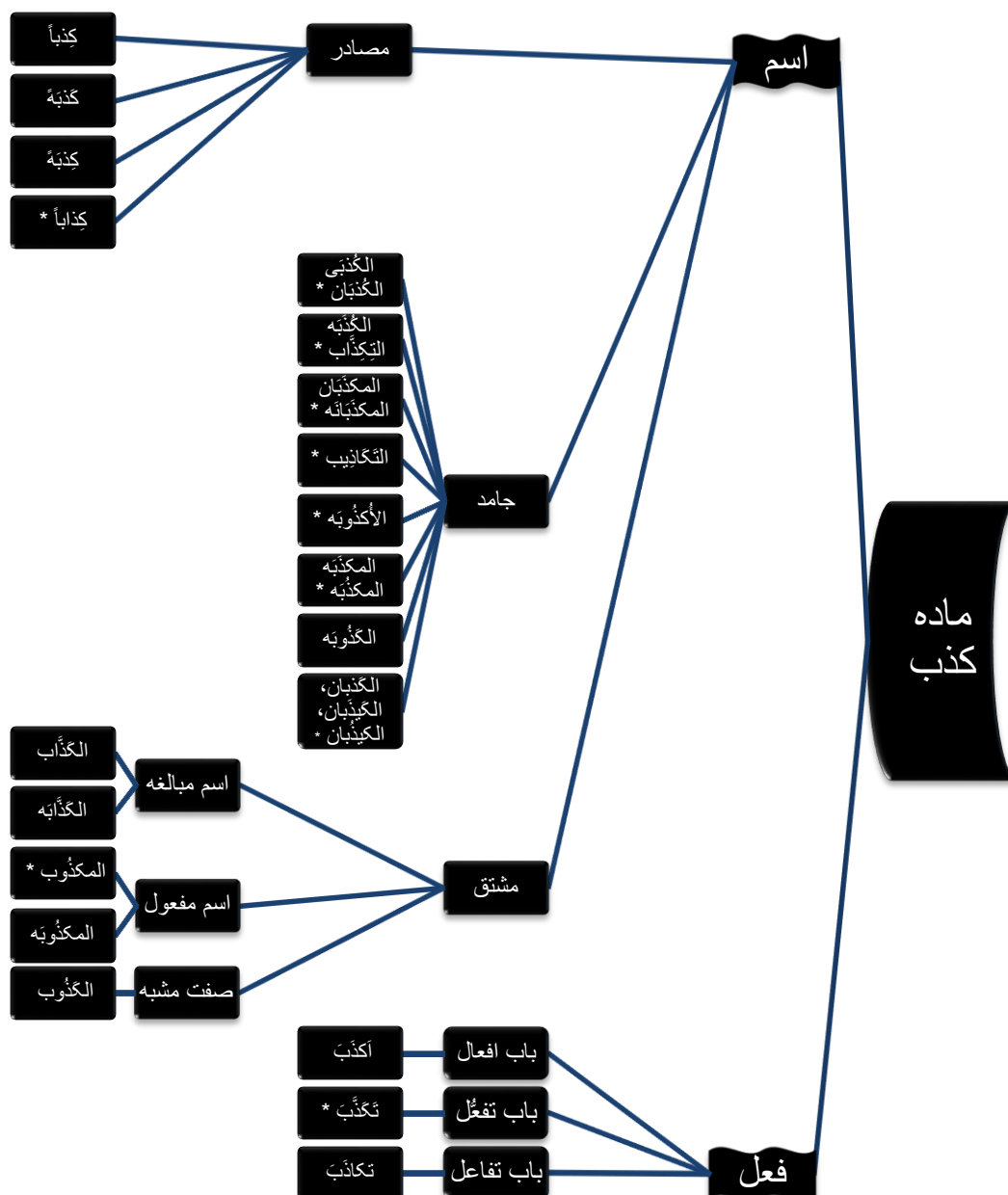




بخش دوم: تطبیقات روایی

در این بخش به آن دسته از کلماتی که در زبان عرب استعمال شده است اما در قرآن کریم استفاده نشده بلکه در روایات مورد استفاده قرار گرفته ذکر می گردد؛ و لازم به ذکر است مواردی که در روایات هم ذکر نشده است از علامت * استفاده میشود.

۱. کلمات استعمال شده زبان عرب که در قرآن کریم استفاده نشده است عبارتند از:



۲. نمونه هایی از این واژه ها که در روایات اهل بیت علیهم السلام استعمال شده است عبارتند از:

۱. کَذِبًا

عن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام: أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمْ هُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا كَذِبًا وَ بَغِيًّا عَلَيْنَا وَ حَسَدًا لَنَا إِنْ رَفَعَنَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ وَضَعَهُمْ وَ أَعْطَانَا وَ حَرَمَهُمْ وَ أَدْخَلْنَا وَ أَخْرَجَهُمْ بِنَا يُسْتَعْتَبَى الْهُدَى وَ يُسْتَجْلَى الْعَمَى لَا بِهِمْ^۱

در این روایت به معنای: دروغ است و یا دروغ گفته اند.

۲. كَذِبَةٌ

عن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام: وَ كَانَ يَمْضَغُ الشَّيْءَ ثُمَّ يَلْقَمُنِيهِ وَ مَا وَجَدَ لِي كَذِبَةٌ فِي قَوْلٍ وَ لَا خَطْلَةٌ^۲

در این روایت به معنای: دروغی

۳. كَذِبَةٌ

عَنْ حَضْرَتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ لَا كَذِبَتْ كَذِبَةٌ وَ لَقَدْ نُبِّئْتُ بِهَذَا الْمَقَامِ وَ هَذَا الْيَوْمِ أَلَا وَ إِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمُسٌ^۳

در این روایت به معنای: دروغ (متناسب با نقش نحوی که دارد) مفعول مطلق) در این روایت تاکید را می رساند.

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، صفحه ۱۱۵

۲. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۳۰۰

۴. اُكْذِبَ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَاعِنِ: «إِنْ أُكْذِبَ نَفْسَهُ قَبْلَ اللَّعَانِ، رُدَّتْ^۱

در این روایت به معنای: اُكْذِبَ نَفْسَهُ: اقرار به دروغ گفتن کرد.

۵. الكَذَابُ

إِجْتَنِبْ مَصَاحِبَةَ الكَذَابِ فَإِنْ اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلَا تَصَدِّقْهُ وَ لَا تَعْلَمْهُ أَنْتَ تَكْذِبُهُ فَإِنَّهُ يَنْتَقِلُ عَنِ وَدَّكَ وَ لَا يَنْتَقِلُ عَنِ طَبَعِهِ^۲.

در این روایت به معنای: فرد بسیار دروغگو

۶. الكَذَابَةُ

عَلَىٰ بَنِي إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَىٰ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عِزِّ بْنِ سَلْمَانَ وَ الْمُقَدَّادِ وَ أَبِي ذَرٍّ شَيْئاً مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ أَحَادِيثِ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ صَ غَيْرَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ ثُمَّ سَمِعْتُ مِنْكَ تَصْدِيقَ مَا سَمِعْتُ مِنْهُمْ وَ رَأَيْتُ فِي أَيْدِي النَّاسِ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ مِنَ الْأَحَادِيثِ عَنْ نَبِيِّ اللَّهِ صَ أَنْتُمْ تُخَالِفُونَهُمْ فِيهَا وَ تَزْعُمُونَ أَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ بَاطِلٌ أَوْ فَتْرَى النَّاسِ يَكْذِبُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَ مُتَعَمِّدِينَ وَ يُفَسِّرُونَ الْقُرْآنَ بِأَرَائِهِمْ قَالَ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ قَدْ سَأَلْتَ فَافْهَمِ الْجَوَابَ إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقّاً وَ بَاطِلاً وَ صِدْقاً وَ كَذِباً وَ نَاسِخاً وَ مَنْسُوخاً وَ عَاماً وَ خَاصّاً وَ مُحْكَمّاً وَ مُتَشَابِهاً وَ حِفْظاً وَ وَهْمًا وَ قَدْ كُذِبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَ عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيباً فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الكَذَابَةُ^۳

در این روایت به معنای: بسیار دروغگوست.

۱. الکافی، ج ۱۳، ص ۷۳۲

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۴۳

۳. الکافی، ج ۱، ص ۶۲

٧. الكذوب

أبعد الناس من الصلاح الكذوب و ذو الوجه الوقاح^١

در این روایت به معنای: شخص بسیار دروغگو

٨. المكذوبه

قال عبد الحميد بن أبي الحديد في شرح نهج البلاغه روى أن أبا جعفر محمد بن علي الباقر قال لبعض أصحابه يا فلان ما لقينا من ظلم قريش إيانا و تظاھرهم علينا و ما لقي شيعتنا و محبونا من الناس إن رسول الله ص قبض و قد أخبرنا أولى الناس بالناس فتمالأت علينا قريش حتى أخرجت الأمر عن معدنه و احتججت على الأنصار بحقنا و حجتنا تداولتها قريش و أحد بعد واحد حتى رجعت إلينا فنكثت بيعتنا و نصبت الحرب لنا و لم يزل صاحب الأمر في صعود كئود حتى قتل فبويع الحسن ابنه و عوهد ثم غدر به و أسلم و وثب عليه أهل العراق حتى طعن بخنجر في جنبه و انتهب عسكره و عولجت خلاخيل أمهات أولاده فوادع معاوية و حقن دمه و دماء أهل بيته و هم قليل حق قليل ثم بايع الحسين ع من أهل العراق عشرون ألفاً ثم غدروا به و خرجوا عليه و بيعته في أعناقهم فقتلوه ثم لم نزل أهل البيت نستذل و نستضام و نقصي و نمتهن و نحرم و نقتل و نخاف و لا نأمن على دمائنا و دماء أوليائنا و وجد الكاذبون الجاحدون لكذبهم و جحودهم موضعاً يتقربون به إلى أوليائهم و قضاة السوء و عمال السوء في كل بلدة فحدثوهم بالأحاديث الموضوعه المكذوبه^٢...

در این روایت به معنای: احادیث به دروغ وضع شده (احادیث جعلی)

^١. تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ٢٢٠

^٢. بحار الانوار ، ج ٤٤ ، ص ٦٩

فصل سوم

مقدمه

برای بیان اهمیت و ارزش این عنوان، خود این عنوان به صورت واژه به واژه بررسی میشود:

۱. تربیت فرزند

بنا بر دو دلیل این واژه انتخاب گردیده است که عبارتند از:

دلیل اول:

از آنجایی که اسلام عزیز به امر تربیت فرزند اهمیت ویژه ای داده است، همانطور که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ، به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید.»^۱ و نیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حقوق فرزند بر پدر را اینگونه معرفی می فرمایند: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ، حقوق فرزند بر پدر، این است که نامی نیکو بر او بنهد و نیکو تربیتش کند و قرآن را به او بیاموزد.»^۲ پس، از این احادیث شریف حضرات اهل بیت علیهم السلام دانسته میشود که والدین محترم باید در تربیت فرزندان خود کوشا باشند، و همچنین در روایت دیگری از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه به فرزند بزرگوار و کریمشان سفارش کردند: «أَمَّا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَيَشْتَغِلُ لَبُّكَ، دل نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود آنرا میپذیرد از اینرو، من پیش از آنکه دلت سخت گردد و خردت مشغول شود به تأدیب و تربیت شتافتم.»^۳ و لازم به ذکر است با توجه به اینکه جامعه امروزی، متأسفانه درگیر گناهان متعدد فراوانی شده است، لذا تا قبل از اینکه فرزندان آلوده به گناهان شوند، باید والدین در جهت نیکو تربیت کردن آنها اقدام کنند، همانطور که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث قبلی فرمودند: پیش از آنکه دلت سخت گردد و خردت مشغول شود به تأدیب و تربیت شتافتم؛ پس به دلیل تأکید ویژه اسلام عزیز است که این مقاله به بررسی این واژه (تربیت فرزند) پرداخته است.

۱. میزان الحکمه، ح ۲۲۷۴۷

۲. نهج البلاغه، ح ۳۹۹

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱

دلیل دوم:

دلیل دوم به هدف مقاله مربوط میشود؛ چراکه هدف، رسیدن به جامعه اسلامی است و هیچگاه جامعه اسلامی به وجود نخواهد آمد مگر آنکه افراد آن سالم و اسلامی باشند، و بهترین زمان برای انجام این عمل^۱ زمانی است که هنوز شخصیت آنها شکل گیری نشده است؛ پس دانسته میشود که دومین دلیل انتخاب این نوع واژه، به خاطر رسیدن به جامعه اسلامی است که این مقاله به تربیت فرزند اهمیت فراوانی میدهد، چراکه برای رسیدن به جامعه اسلامی می بایست فرزندان اسلامی تربیت کرد.

۲. دروغ

امر تربیت دارای ابعاد مختلفی است، و چرا این مقاله به بعد دروغ آن پرداخته است، بنا بر دو دلیل است که عبارتند از: (۱. عدم تربیت نیکو ۲. عدم دسترسی به جامعه اسلامی) برای توضیح این مطلب تنها به یک حدیث شریف بسنده میشود؛ همانگونه که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «انَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكُذِبَ شَرِّمَنِ الشَّرَابِ، همانا خداوند عز وجل برای بدیها قفلهایی قرارداد، و کلید این بدیها شراب است، اما دروغ از شراب بدتر است.»^۲ از این روایت چنین برداشت میشود که انسان با دروغ گفتن غرق در بدیها میشود، و از طرفی هنگامی که انسان از دروغگویی پرهیز کند غرق در خوبیها خواهد شد، که این روایت بیانگر اهمیت امر دروغ در سرنوشت انسان است، در نتیجه دانسته میشود که اگر انسان از سرنوشت خوبی برخوردار نشود موجب دو مسئله خواهد شد: (۱. عدم تربیت نیکو ۲. عدم دسترسی به جامعه اسلامی) البته لازم به ذکر است که عدم دستیابی به جامعه اسلامی از آثار عدم تربیت نیکوست، پس، دلیل انتخاب واژه دروغ تبیین شد که به خاطر عدم دسترسی به تربیت نیکو، و جامعه اسلامی است؛ چراکه تربیت نیکو مورد تأکید اسلام و دستیابی به جامعه سالم و اسلامی هدف این مقاله است.

۳. تأثیرات دروغ

در واقع از جنبه های مختلفی میتوان به دروغ نگاه کرد و اینکه در این مقاله از حیث تأثیرات به آن نگاه میشود بنابر، این دو دلیل است:

^۱ . تربیت انسانهای اسلامی

^۲ . الکافی، ج ۲، ص ۳۳۸

دلیل اول:

دلیل اول به هدف این مقاله عود میکند، و هدف این مقاله رسیدن به یک جامعه سالم و اسلامی است، و برای رسیدن به این جامعه، می بایست افرادی سالم و اسلامی تربیت شوند، و از مهمترین عوامل در تربیت چنین افرادی، **ارائه راهکاری** که موجب اجتناب این افراد از دروغگویی شود، چراکه **تأثیر آن** تا جایی است که موجب دو عامل میشود: که آن دو عامل نقش بسیار مهمی در سرنوشت خود انسان گناهکار و جامعه او خواهد گذاشت؛ و آن دو عامل عبارتند از: (۱. ادامه گناه سابق ۲. رو آوردن به گناهان متعدد فراوان دیگر) که یکی از آثار شوم این دو عامل از دست دادن جامعه اسلامی خواهد بود؛ پس با توجه به هدف مقاله، به دلیل اینکه دروغ موجب نرسیدن به جامعه اسلامی و نیز عدم تربیت نیکو میشود، از حیث تأثیرات به آن پرداخته خواهد شد.

دلیل دوم:

یکی از عواملی که موجب فاصله گیری از صفت رذیله ایی خواهد شد، آگاهی داشتن نسبت به آثار و عواقب آن است، و از آنجا که دروغ از صفات رذیله است، و محور مقاله بر جدایی انسان از این صفت رذیله تأکید ویژه ایی دارد، پس در نتیجه مقاله مورد نظر به آثار و پیامدهای دروغ پرداخته است.

نتیجه گیری

برای رسیدن به این جامعه مد نظر می بایست بر روی افراد آن کار شود، و از آنجا که دروغگویی تأثیر بسیار شومی در خود افراد و جامعه میگذارد، باید از آن اجتناب کرد، و برای فاصله گیری افراد جامعه از آن، بنابر حدیث گذشته تا قبل از اینکه دلشان سخت گردد و خردشان مشغول گردد، باید اقدام گردد، به همین دلیل برای رسیدن به نتیجه مطلوب باید از کودکی شروع کرد، چراکه انسان هنوز در آن زمان شخصیت او شکل گیری نشده است؛ پس دانسته میشود که بهترین موقعیت برای نیکو تربیت کردن انسان زمان کودکی اوست؛ که در نتیجه موجب نیکو شدن جامعه خواهد شد.

مبحث اصلی

۱. چگونگی شکل‌گیری جامعه اسلامی

با توجه به هدف این مقاله باید دانست که مهمترین راه رسیدن به یک جامعه سالم و اسلامی، تربیت فرزندان سالم و اسلامی است، چرا که جامعه چیزی نیست جز متشکل شده از افرادی، حال سالم و اسلامی بودن این جامعه وابسته به اجزای درونی اش است،^۱ و این یک امر بدیهی است که اگر آن افراد انسانهایی سالم و اسلامی باشند آن جامعه سالم و اسلامی خواهد شد، و در غیر اینصورت نباید انتظار چنین جامعه ایی را داشت، و برای رسیدن به این انسان مد نظر باید به تربیت آن نگاه کرد، چرا که تا فرزندان اسلامی تربیت نشوند جامعه اسلامی وجود نخواهد داشت.

۲. بسترهای تربیت

بررسی های این مقاله نشان میدهد که انسان به طور کلی در دو بستر تربیت میشود: (۱. خانواده ۲. اجتماع) و از بین این دو مورد، نخستین پرورشگاه و آموزشگاه تربیت فرزند و مهمترین نقش در تربیت او توسط خانواده صورت می پذیرد^۲، پس دانسته میشود که مهمترین بستر تربیت، بستر خانواده است که شخصیت انسان در آن شکل‌گیری میشود.

۳. فطرت الهی کودک

کودک در بدو تولدش دارای فطرت پاک و خدایی است و به همین دلیل، از دروغ گفتن متنفر است و دوست دارد که اهل خانواده و افراد جامعه با او به صداقت و راستی رفتار کنند، و این تمایل به راستگویی در کودک تا جایی است که راستگویی او ضرب المثل شده که میگویند: «راستگویی را باید از کودک یاد گرفت.» پس کودک نه تنها دروغ را بر لب نمی آورد بلکه فطرتاً از دروغ و دروغگویی بدش می آید، پس اگر دیده میشود که کودکی دروغ می گوید، نشانگر این است که از خانواده و یا افراد جامعه یاد گرفته است چراکه این دو محل بستر تربیت کودک می باشند، و از آنجا که نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت کودک، توسط خانواد صورت می پذیرد، پس والدین محترم باید در این مسئله دقت کرده و مراقب کودک خود باشند که خود یا دیگران موجب شکل‌گیری شخصیت کاذب در فرزندانشان نشوند، و جالب اینجاست که کودک در اوایل دروغگویی اش دچار لکنت زبان میشود و نمیتواند با خاطری آسوده دروغ بگوید، که این واقعه نشانگر فطرت پاک و الهی کودک است،

^۱ . افراد جامعه

^۲ . اخلاق در خانواده، ج ۲، ص ۱۲۴

همانطور که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنصِرَانِهِ وَ يُمَجْسَانِهِ، همه مولودها بر فطرت (توحیدی) به دنیا می آیند، و این پدر و مادرها هستند که آنها را یهودی، مسیحی یا مجوسی بار می آورند.»^۱ اما در صورتی که کودک بر روی دروغ گفتنش اسرار و تکرار داشته باشد، به خاطر این تمرین و تکرار، دروغ گفتن برایش عادی شده و به صورت یک ملکه در می آید، و بعد دیده میشود که این کودک به راحتی دروغ می گوید بدون هیچ شرم و حیایی! که این امر برای آینده خود کودک و همچنین آینده آن جامعه بسیار خطرناک است.^۲

۴. دروغ = انحراف کودکان = انحراف افراد جامعه = عدم وجود جامعه

اسلامی

در واقع این دروغ است که توانایی منحرف کردن کودکان را داراست، و از آنجا که این کودکان اند که آینده کشور را تشکیل میدهند، در صورت گمراهی آنان موجب عدم وجود جامعه اسلامی خواهد شد، پس در نتیجه دروغ سبب میشود که جامعه اسلامی از دست برود.^۳

توضیح بیشتر:

۱. دروغ از چنان قدرتی برخوردار است که شیطان برای اینکه انسان را بتواند گمراه کند از ابزاری به نام دروغ کمک می جوید.

۲. شیاطین هنگامی میتوانند به انسان الهام به دروغگویی بکنند که این انسان مرتکب گناه و خطایی شده باشد.^۴

نتیجه: شیطان برای رسیدن به مقصود شوم خود، انسان را در دام دروغگویی می اندازد.

*سوال:

چرا شیطان برای منحرف کردن و گمراهی انسان تکیه گاه خود را دروغ قرار داده است؟

۱. اخلاق در خانواده، ج: ۲، ص: ۱۳۵

۲. اخلاق در خانواده، ج: ۱، ص: ۱۶۷

۳. ارشاد القلوب، ترجمه طباطبایی، ص: ۲۹۴

۴. سوره های: شعرا، آیه: ۲۲۲، ۲۲۱ - مجادله، آیه: ۱۹، ۱۴

زیرا انسان گناهکار هنگامی که دروغ میگوید به وسیله آن گناه خود را کتمان کرده و سبب میشود که همچنان بر گناه خود اسرار داشته باشد، و حتی بالاتر از آن، اسرار بر گناه رفته رفته باعث روی آوردن به بدیها و گناهان متعدد فراوان دیگری میشود؛ همانطور که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم اشاره به عاقبت دروغگویی کردند و فرمودند: «ایاکم و الکذب، فان الکذب یهدی الی الفُجورِ، و الفُجورِ یهدی الی النارِ، از دروغ بپرهیزید زیرا دروغ به گناهکاری می انجامد و گناهکاری به آتش.»^۱ با این بیان مشخص میشود که عاقبت دروغگویی آتش جهنم است و این همان آرزوی شیطان است، و به همین دلیل تمام امیدش به دروغگویی انسانها گره خورده است، و این نکته حائز اهمیت است که اگر همین انسان قبل از دروغگویی راستش را می گفت به ناچار از گناه و کار بد فاصله می گرفت، پس ملاحظه میشود شد که دروغ چه تأثیر منفی در انسان میگذارد، حال برای جلوگیری از این بحران خطرناک باید تا قبل از اینکه انسان به دروغگویی خو بگیرد و به آن عادت کند آگاه شود، که این مسئله به کودکی انسان بر می گردد؛ چراکه دانسته شد، کودک تا قبل از ورود به عالم گناه^۲ دارای فطرت پاکی است، و اینجاست که والدین عزیز در مسئله تربیت فرزند و بالخصوص در بعد دروغ آن باید بسیار جدی بگیرند، و همچنین لازم به ذکر است که اگر والدین محترم موجب آلودگی فطرت پاک فرزند خود بشوند باید در روز قیامت پاسخگو باشند.

۵. تأثیرات دروغ در فرزند

بعد از روشن شدن اهمیت دروغ در تربیت فرزند و تأثیر آن در جامعه، در این جا به مهمترین آثار دروغ و عواقب آن از دیدگاه اسلام عزیز و روانشناسی اشاره میشود؛

هنگامی که یک فرزند، دروغگو بار می آید با چنین عوارضی مواجه میشود؛ که در این مقاله از دیدگاه اسلام عزیز به صورت دو دسته بیان خواهد شد: (۱. دسته بندی تفصیلی ۲. دسته بندی اجمالی)، و از دیدگاه روانشناسی تنها به صورت تفصیلی بسنده میشود، لازم به ذکر است که از ثمرات دانستن عواقب دروغگویی سبب ایجاد انگیزه برای اقدام به درمان آن و یا مداوای آن از فرزندان خواهد شد.

^۱ . منهج البراعه فی شرح النهج البلاغه (خوئی)، ج ۲، ص ۷۷

^۲ . آلوده به گناه شدن

۱. دسته بندی تفصیلی

۱-۱. اسلام عزیز

۱-۱-۱. قرآن کریم: (تنها به دسته بندی اجمالی آن بسنده شده است)^۱

۱-۱-۲. روایات شریف

در مورد آثار و پیامدهای دروغ احادیث فراوانی روایت شده است، اما به دلیل عدم گنجایش این مقاله به ذکر برخی از مهمترین آنها بسنده میشود؛ بنابر تحقیقات این مقاله روایات مربوط به آثار دروغ به چهار دسته تقسیم میشوند که عبارتند از:

۱. آثار اجتماعی دروغ

از بین رفتن اعتماد مردم نسبت به شخص دروغگو که موجب بی ارزشی او در جامعه خواهد شد، همانگونه که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «الكذاب والمیت سواء فان فضیله الحی علی المیت الثقه به فاذا لم یوثق مکالمه بطلت حیاته، دروغگو و مرده یکسان هستند زیرا برتری زنده بر مرده در اطمینان (مردم) به اوست، پس وقتی که مردم به سخن دروغگو اعتماد نکنند، زنده بودنش باطل است.»^۲ و یکی دیگر از عوارض دروغگویی این است که باعث از دست دادن دوستان میشود و همچنین، کسی سخنان دروغگو را باور نمیکند، که در این رابطه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: «يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُؤَاخَاهِ الْكُذَّابِ إِنَّهُ يَكْذِبُ حَتَّى يَجِيءَ بِالصِّدْقِ فَمَا يُصَدِّقُ، شایسته است که مسلمان از دوستی و برادری با دروغگو بپرهیزد، زیرا او آنقدر دروغ می گوید که اگر سخن راستی هم بر زبان بیاورد دیگر باور نخواهد شد.»^۳

۲. آثار فردی دروغ

۱. سوره های: غافر، آیه: ۲۸ - آل عمران، آیه: ۹۴ - انعام، آیه های: ۲۱، ۹۳، ۱۴۴ - یونس، آیه: ۶۹ - نحل، آیه: ۱۱۶ - زمر، آیه های: ۳، ۶

۲. شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۳۹

۳. تحف العقول، ج: النص، ص ۲۱۶

یکی از موجبات کاهش رزق و روزی دروغ است، همانگونه که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «الکذبُ ینقص الرزق، دروغ روزی را کاهش میدهد.»^۱ و همچنین از دیگر آثار شوم دروغگویی، مبتلا شدن انسان دروغگو به فراموشکاری است، و در این باب حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «انَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكَذَّابِينَ النَّسِيَانَ، از چیزهایی که خداوند متعال بر علیه کذابین انجام میدهد نسیان است.»^۲ و باید دانست که از بدترین و زشت ترین نوع بیماریها، دروغگویی است چرا که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «بیماری دروغ، زشت ترین بیماری است.»^۳

۳. آثار معنوی دروغ

یکی از اسبابی که سبب محرومیت از نماز شب میشود دروغ گفتن است، چرا که حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «انَّ الرَّجُلَ لَیْکَذِبُ الْکَذِبَ فِیْحَرَمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّیْلِ، فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةَ اللَّیْلِ حُرِمَ بِهَا الرِّزْقُ، گاه انسان دروغ می گوید و از نماز شب محروم میشود، و هنگامی که از نماز شب محروم میشود از روزی (وسیع) محروم میشود.»^۴ و نیز در احادیث ذکر گردیده که انسان دروغگو هیچگاه نمیتواند به مرحله ایمان برسد، مگر اینکه دروغگویی را ترک کند، همانگونه که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «لَا یَجِدُ الْعَبْدُ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى یَتْرُکَ الْکَذِبَ هَزْلَهُ وَ جَدَّهُ، بنده طعم ایمان را نمی چشد، تا آنکه دروغ را خواه به شوخی یا جدی ترک کند.»^۵ و این تأثیر دروغگویی تا جایی است که نه تنها سبب محرومیت از چشیدن طعم ایمان میشود بلکه موجب رانده شدن از درگاه الهی میگردد، همانطور که در دعای ابو حمزه ثمالی خوانده میشود: «لَعَلَّکَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَفَرَضْتَنِي، خدایا شاید مرا از دروغگویان یافتی که به حال خود رهایم کردی.»^۶

۴. آثار اخروی دروغ

شخص دروغگو به خاطر یک دروغش هفتاد زنا برای او مینویسند که آسانترین آن زنا با مادر خویش است، و همچنین انسان های دروغگو عذاب قبر مخصوص دارند.^۷

۱-۲. روانشناسی

۱ . نهج الفصاحه، ص ۳۷۳

۲ . کافی (ط - دارلحدیث)، ج ۴، ص ۴۶

۳ . تحف العقول، ترجمه جنتی، ص ۱۳۳

۴ . علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۲

۵ . اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۸

۶ . مصباح المتجهد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۲

۷ . نزهة النواظر، ترجمه معدن جواهر، ص: ۱۳۴

بدن انسان متناسب با نوع فکر کردن از خود واکنش نشان می‌دهد، هنگامی که از افکار مثبت برخوردار باشد بدن از خود اندورفین ترشح میکند (هورمون هایی که سبب میشود انسان حس خوبی داشته باشد). که این مواد، سیستم ایمنی بدن را تقویت میکنند، و بالعکس هنگامی که فردی نگران و مضطرب باشد و یا همچنین استرس داشته باشد بدن از خود هورمون هایی مانند کورتیزول و نورپینفرین ترشح میکند، که هورمون کورتیزول سبب افزایش قند خون شده و همچنین سیستم ایمنی بدن را سرکوب میکند، و نورپینفرین موجب افزایش فشار خون و تند شدن ضربان قلب میشود؛ و لازم به ذکر است که محققین بر این عقیده اند که افراد دروغگو بالأخره دچار استرس و اضطراب میشوند، و علاوه بر آن به انواع بیماریها و همچنین بیماریهای روانی گرفتار میشوند.^۱

۲-۲-۱:

بر اساس پژوهشی جدید در دانشگاه نوتردام که بر روی صدوده نفر و به مدت زمان ده هفته ایی صورت گرفت، نشان داد که انسانهای دروغگو از سلامتی کمتری برخوردارند.^۲

۳-۲-۱:

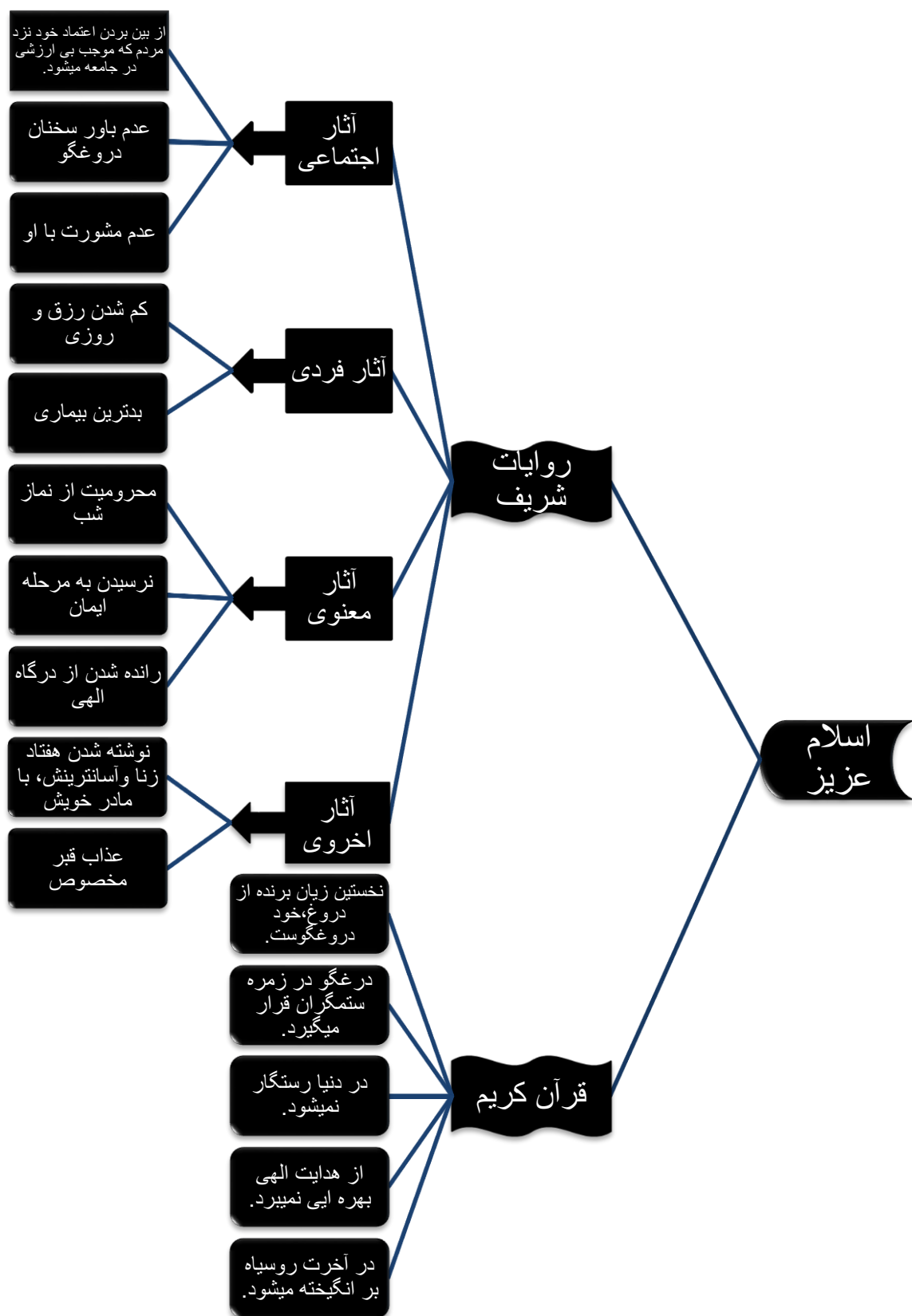
در یکی از نشست های سالانه انجمن روانشناسی آمریکا که در اورلاندو برگزار شد بیان کردند، به همان مقدار که ورزش کردن و خوردن سبزیجات و میوه ها در سلامتی انسان مؤثر است به همان میزان نیز دروغگویی و کنترل زبان در سلامتی انسان تأثیر میگذارد.^۳

^۱ www.ads.newthought.ir

^۲ www.baharnews.ir

^۳ www.momtaznews.com، به گزارش "۱ پارس" به نقل از مهر

۲. دسته بندی اجمالی



۶. عوامل دروغگویی کودک

از مطالبی که ذکر شده ضرورت اجتناب از دروغگویی تبیین می شود حال می بایست برای فاصله گرفتن از این امر ناپسند عوامل و ریشه های دروغگویی شناسایی شوند، سپس بعد از کشف آن اقدام به حذف عوامل و ریشه کن کردن آنها شود؛ در این مقاله به علت کثرت عوامل دروغگویی به صورت اجمالی به نمونه ای از مهمترین آنها از دیدگاه اسلام عزیز (طبق نظر حضرت آیت الله مکارم شیرازی)^۱ و روانشناسی^۲ پرداخته میشود:

اسلام عزیز

توقع و انتظارات بیش از حد والدین؛ مثلاً بدون توجه به ظرفیت فکری کودک انتظار داشتن نمره ممتاز از او

داشتن الگوی غلط

ترس شدید
از مجازات

پوشاندن لغزش

فشار آوردن و مطالبه
بیش از توان

آزمون پدر و
مادر و تشویق
نادرست

و از نظر روانشناسی تنبیه بدنی از عوامل دروغگویی در کودکان شمرده شده است.

۱. اخلاق در خانواده، ج ۲، ص: ۱۵۳

۲. خلوت شیطانی، خود ارضایی و راه درمان آن، ص: ۳۷

۷. درمان دروغویی کودک

والدین گرامی بعد از پی بردن به عوارض دروغگویی و همچنین شناخت عوامل دروغگویی، در صورت مبتلا بودن فرزندان خود به دروغگویی باید در صدد درمان آن برآیند، که در این مقاله به صورت خلاصه، برخی از مهمترین شیوه های درمان از دیدگاه اسلام عزیز (طبق نظر حضرت آیت الله مکارم شیرازی)^۱ و روانشناسی (طبق نظر ژان پیاژه)^۲ ذکر میگردد:

اسلام عزیز

۱. ابتدا باید ریشه دروغگویی را قطع کرد، زیرا تا زمانی که ریشه قطع نشده است این نهال شوم همچنان سبز باقی می ماند.

۲. اندیشیدن در آثار و عواقب دروغگویی.

توضیح

والدین محترم باید فرزندان خود را از زیانهای دروغگویی آشنا کنند، چراکه این کار برای جلوگیری کودکان از دروغگویی بسیار مؤثر است.

۳. دوری جستن از محیط هایی که مشوق دروغگویی اند.

توضیح

همانگونه که در بیماری های جسمی اگر انسان از محیط های ویروسی و آلوده پرهیز کند سریعتر مداوا میشود در این نوع بیماری نیز اینگونه است.

۱. اخلاق در خانواده، ج: ۲، ص: ۱۳۵.

۲. www.beytoote.com

۴. ایجاد شخصیت در افراد.

توضیح

از آنجا که یکی از مهمترین عوامل دروغگویی احساس حقارت و یا کمبود شخصیت است، دروغگو میخواهد آنرا با لاف زدن جبران کند، اما اگر احساس میکرد که دارای توانایی های ویژه ای است و با به کارگیری آنها میتواند نقش مهمی را در اجتماع ایفا کند، هیچگاه برای به دست آوردن شخصیت به دروغگویی متوسل نمیشد.

***مهمترین عامل در راستگویی کودکان :**

والدین برای فرزندان خود الگویی از

راستگویی باشند.

۱. باید از ابتدای کودکی (۵ تا ۲ سالگی)، تفاوت میان حقیقت و غیر حقیقت به کودک آموزش داده شود (کودکان در این سنین تفاوت میان حقیقت و غیر حقیقت را تشخیص نمیدهند). چراکه کودکان برای درک تفاوت میان حقیقت و دروغ به زمان نیازمندند.

توضیح

در هنگام بازی کردن با او، سؤالاتی از این قبیل بپرسید: آیا اگر سگ برود زیر غلتک آسفالت، مثل کاغذ پهن میشود و بعد به حالت قبل بر میگردد و می دود؟

۲. لاف زدن و پز دادن کودکان را دروغگویی ندانید.

توضیح

به فرزندان خود کمک کنید تا تفاوت بین رؤیا و واقعیت را بدانند و در هنگامی که دارند لاف زنی میکنند به او بر چسب دروغگو نزنید، بلکه روی لاف زنی او اسم بگذارید.

۳. جریمه دروغگویی با جریمه کار نادرست متفاوت است.

توضیح

به کودک خود بفهمانید که اگر به خاطر کار ناشایست خود راست بگوید کمتر عصبی میشود، اما دروغ بگوید علاوه بر عصبیت بیشتر، جریمه اش دو برابر میشود.

۴. برای کودکان خود معلم خوبی باشید.

توضیح

بچه ها از همان اوایل کودکی خود مانند دوربین فیلمبرداری هر چه از شما می بینند و می شنوند تقلید و ضبط میکنند.

۵. باعث دروغگویی کودک خود نشوید.

توضیح

گاهی پدر و مادر به خاطر عمل ناشایست کودک به گونه ایی با فرزند خود رفتار میکنند که کودک مجبور به دروغگویی میشود.

۶. راستگویی فرزندتان را تحسین و تقویت کنید.

۷. از متخصصان و مشاوران کمک بگیرید:

بچه های بزرگتر از ده سال که به دروغگویی عادت کرده اند، باید از نظر مشکلات روانی و عاطفی بررسی شوند.

نتیجه گیری

۱. برای دستیابی به جامعه اسلامی باید آنرا از دروغگویی خالی کرد، چراکه دروغگویی موجب رسیدن به جامعه شیطانی خواهد شد.
۲. لازمه اجتناب از دروغگویی، شناخت عواقب دروغ گفتن برای ایجاد انگیزه در درمان آن و نیز مداوا کردن دروغگویی از فرزندان خود است.
۳. بهترین طریق دستیابی به جامعه اسلامی نیکو تربیت کردن فرزندان است و بهترین راه نیکو تربیت کردن فرزندان الگوی نیکویی بودن والدین برای فرزندان است.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب

قرآن کریم

شریف الرضی، محمد بن حسین: نهج البلاغه / ترجمه دشتی. انتشارات مشهور. چاپ اول. سال ۱۳۷۹ ش. ایران. قم

پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، انتشارات نهج الفصاحة، چاپ چهارم. سال ۱۳۸۲ ش. ایران. تهران

کلینی، محمد بن یعقوب: الکافی. انتشارات دار الکتب الإسلامیة. چاپ چهارم. سال ۱۴۰۷ ق. ایران. تهران

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، انتشارات دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم. سال ۱۴۰۳ ق. بیروت

ابن بابویه، محمد بن علی: علل الشرائع. انتشارات کتاب فروشی داوری. چاپ اول. سال ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م. ایران. قم

دیلمی، حسن بن محمد. إرشاد القلوب / ترجمه طباطبایی. انتشارات جامعه مدرسین. چاپ پنجم. سال ۱۳۷۶ ش. ایران. قم

هاشمی خویی، میرزا حبیب الله: منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه. انتشارات مکتبه الإسلامیة. چاپ چهارم. سال ۱۴۰۰ ق. ایران. تهران

آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم. سال ۱۳۶۶ ش. ایران. تهران

طوسی، محمد بن الحسن. مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد. انتشارات مؤسسه فقه الشیعه. چاپ اول. سال ۱۴۱۱ ق. بیروت

مکارم شیرازی، ناصر. اخلاق در قرآن. انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع). چاپ اول. سال ۱۳۷۷ ق. ایران. قم

کراجکی، محمد بن علی. نزهة النواظر / ترجمه معدن الجواهر. انتشارات اسلامیة. چاپ اول. سال بی تا. ایران. تهران

سهراب پور، علی. خلوت شیطانی: خود ارضایی و راه درمان آن. انتشارات دفتر نشر معارف. چاپ دوم. سال ۱۳۹۰ق. ایران. قم

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول / ترجمه جنتی. انتشارات مؤسسه امیر کبیر. چاپ اول. سال ۱۳۸۲ق. ایران. تهران

محمد محمدی‌ری‌شهری، میزان الحکمه، انتشارات دارالحديث، چاپ ششم. سال ۱۳۸۵ق. ایران. تهران

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول. سال ۱۳۶۶ ش، ایران. قم

حسن بن علی، امام یازدهم علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، انتشارات مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، چاپ اول. سال ۱۴۰۹ ق. ایران. قم

پایگاه های اینترنتی

جامع تمام مطالب، www.beytoote.com

فکرنو، www.ads.newthought.ir

پایگاه خبری، تحلیلی ، baharnews.ir

اخبار ممتاز ایران و جهان، www.momtaznews.com